

باورهای عامیانه مردم تالش زبان ماسوله استان گیلان با رویکرد ردپای جغرافیا

علیرضا اقدامی معافی* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ایران
فاطمه همتی گسگری - دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

چکیده

مقدمه: گیلان دارای فرهنگ عامه‌ی شفاهی غنی و گسترده‌ای است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌است که متأسفانه به دلیل پیشرفت علم و دور شدن نسل‌های جوان از فرهنگ عامه، این باورها، آداب و رسوم و زبان عامیانه در معرض فراموشی قرار گرفته است.

هدف پژوهش: این پژوهش با هدف بررسی و استخراج باورهای عامیانه مردم این منطقه در زمینه‌های مختلف باورهای مربوط به طبیعت، حیوانات، آداب و رسوم زندگی اجتماعی با روش میدانی تهیه و تنظیم شده است.

روش پژوهش: علاوه بر شیوه‌ی میدانی برای مطالب مقدماتی از روش کتابخانه‌ی بی استفاده شده است. از جمله مناطق گیلان که دارای فرهنگ و تمدنی غنی و کهن است، منطقه‌ی تالش زبان ماسوله است. ابتدا با حضور در منطقه جغرافیایی و ایجاد ارتباط با مردم تالش زبان منطقه، باورها و عقاید این مردمان بازمیابی شد و سپس در محیط کتابخانه‌ی ای و با استناد به شیوه‌های مرسوم پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: این مقاله در قلمرو جغرافیایی کشور ایران و استان گیلان طراحی و اجرا شده است. استان گیلان با توجه به پیشینه‌ی عظیم فرهنگی، از سکونت گاه‌های بسیار با سابقه در جهان به حساب می‌آید. پژوهش مورد نظر در حوزه شهر ماسوله از توابع شهرستان فومن که از بافت تاریخی و ویژه‌ای برخوردار است انجام شده است.

یافته‌ها و بحث: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بیشترین باورها و اعتقادات مردم این منطقه مربوط به طبیعت، گیاهان و حیوانات است و پس از آن در بخش عقاید مربوط به زندگی فردی و اجتماعی، اعیاد باستانی نوروز و چهارشنبه سوری از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردار هستند.

واژه‌های کلیدی: آداب و رسوم، فرهنگ عامه، تالش، ماسوله

نحوه استناد به مقاله:

اقدامی معافی، علیرضا و همتی گسگری، فاطمه. (۱۴۰۰). باورهای عامیانه مردم تالش زبان ماسوله استان گیلان با رویکرد ردپای جغرافیا. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۳)، ۶۳۳-۶۴۸.

[DOR: 20.1001.1.25385968.1400.16.3.13.0](https://doi.org/10.25385/968.1400.16.3.13.0)

مقدمه

هر جامعه و هر قومی دارای فرهنگ و آداب و رسوم است که آینه‌ی تمام‌نمای اندیشه و افکار موجود در جامعه در طی سالیان متمادی است. فرهنگ عامیانه، برخاسته از اعتقادات، باورها، آداب و رسوم و کنش‌هایی است که نسل‌های پیشین به واسطه‌ی امور مختلف و دانش‌هایی که در آن زمان داشتند، آن اعمال را اجرا کرده و یا به باورهایی اعتقاد داشتند. این فرهنگ در بستر زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به مرور فرهنگ عامیانه‌ی یک ملت را شکل داده است.

شرایط اقلیمی و محیطی گیلان به دلیل وجود کوه‌های برافراشته و جنگل‌های انبوه، در گذشته مانع تبادلات فرهنگی و اجتماعی مردم این سرزمین با مناطق همجوار و سایر ساکنین ایران زمین بوده است. از این‌رو این منطقه دیرتر از فرهنگ نوشتاری بهره‌مند شد اما همین امر سبب گردید که بستری عظیم و گسترده از ادبیات شفاهی و عامیانه در این منطقه شده است. ادبیاتی که سرشار از ضرب‌المثل‌ها، باورها، آداب و رسوم و فرهنگ‌های متعدد و مختلف است. با پیشرفت علم و گسترش دایره‌ی تعاملات مردم گیلان با سایر مناطق، شرایط اقلیمی منحصر به فرد این منطقه از جمله طبیعت بکر، سرسبز و حاصلخیز گیلان سبب ورود مردم مختلف به این سرزمین شد که با خود فرهنگ‌ها و آداب و سنن مختلف خود را به همراه آوردند. به مرور زمان این عقاید و فرهنگ‌ها نیز با فرهنگ کهن و باستانی مردم گیلان آمیخته شد و به فرهنگ عامیانه‌ی گیلان تنوع و تعدد بیشتری بخشید. به مرور زمان و پیشرفت علم و زندگی تعاملی اجتماعی، نسل‌های بعد از فرهنگ عامه خود دور مانده و به مرور آداب و رسوم، عقاید، باورها و حتی عناصر برجسته‌ی زبان عامیانه چون ضرب‌المثل‌ها و کنایات رو به فراموشی گذاشته است. استخراج، جمع‌آوری و دسته‌بندی باقیمانده‌ی فرهنگ عامه در مناطق مختلف گیلان امری ضروری است تا آنچه از گذشتگان به ما رسیده و روز به روز به نابودی نزدیک می‌شود، ماندگار شود. تالشی از گویش‌های ایرانی شمال غربی است که هم‌اکنون در حاشیه‌ی جنوب غربی دریای خزر علاوه بر گیلان در جمهوری آذربایجان نیز تکلم می‌شود و لهجه‌ها و گونه‌های متعددی دارد. از لهجه‌های تالشی می‌توان ماسوله‌ای، شفتی، ماسالی، خوشابری، اسالمی، رودباری و... را نام برد. ماسوله یکی از کوچک‌ترین شهرهای ایران، سال‌هاست که به دلیل داشتن جاذبه‌های خاص و منحصر به فرد تاریخی- فرهنگی و طبیعی خود تبدیل به یکی از شناخته شده‌ترین مقاصد گردشگری کشور شده است. «شهر ماسوله از توابع شهرستان فومن و استان گیلان در انتها الیه جنوب غربی گیلان در تقاطع استان‌های گیلان، زنجان و اردبیل جای گرفته و در حدود ۳۶ کیلومتری جنوب غربی شهر فومن و ۶۰ کیلومتری مرکز استان گیلان (شهر رشت) واقع شده است» (پندی، ۱۳۸۲: ۳۲). ماسوله از پنج قسمت اصلی شامل محله‌های «خانه بر»، «مسجدبر»، «اسد محله»، «کش سر علیا»، «کش سر سفلی» و شش محله‌ی فرعی دیگر با مساحت تقریبی ۱۶۰۰۰ متر مربع ساخته شده است. این محلات اصلی در حال حاضر حدود ۳۵۰ خانه مسکونی را در خود جای داده‌اند. در گذشته‌ی نه چندان دور تعداد خانه‌ها به بیش از ۶۰۰ واحد می‌رسید. بازار شهر مشتمل بر ۱۲۰ باب مغازه است که معابر اصلی شهر مستقیماً به آن راه دارند. ماسوله با پشتوانه تاریخی کهن و دیرینه به دوران زند و قاجاریه می‌رسد. این شهر پلکانی یکی از قدیمی‌ترین شهرهایی است که در آثار ملی ایران ثبت شده که به سبب دارا بودن آثار تاریخی گوناگون دارای ارزش مطالعاتی ویژه است. محوطه‌های تاریخی و تپه‌های باستانی ماسوله این شهرک تاریخی را از دیگر نقاط استان متمایز می‌سازد. در دوران قاجار ماسوله به عنوان یکی از مراکز تولید و ساخت‌افزارهای کشاورزی، تفنگ و حتی تجهیزات جنگی چون توپ شهرت داشته است. ماسوله در قیام میرزا کوچک خان جنگلی آزادی‌خواه مشروطیت به عنوان یکی از پایگاه‌های جنگ‌آوران گیلانی بر ضد استعمار خارجیان و حکومت نقش مهمی داشته است (طالبی، ۱۳۹۸، ۲۳) زبان اصلی مردم ماسوله، به روایت خود ماسوله‌ای‌ها موسلی moosli است که بسیار شبیه زبان تالشی، زبان مردم غرب گیلان و جنوب آذربایجان است. تالشی نام یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی می‌باشد و همچنین به فردی که گویشور آن زبان باشد، تالش گویند. زبان تالشی ماسوله از خانواده زبان‌های کناره دریای خزر محسوب می‌شود و به زبان‌های تاتی، پهلوی، پارتی و اوستایی بسیار نزدیک است. اما در عین حال، تفاوت‌هایی نیز دارند. تالشی ماسوله همانند تالشی دیگر مناطق غرب گیلان با زبان گیلکی و مازندرانی هم‌ریشه است (نصرتی، ۱۳۸۵، ۳۴-۳۵) شهر ماسوله به دلیل قدمت تاریخی از فرهنگ عامیانه‌ی غنی و کهنی برخوردار است. از این جهت، در این پژوهش به بررسی آداب، رسوم و فرهنگ مردم تالش زبان ماسوله پرداخته شده است. حوزه‌ی پژوهش این پایان‌نامه در فرهنگ عامیانه‌ی مردم تالش زبان ماسوله از مناطق استان گیلان است. در این پژوهش از کتاب خاصی به عنوان مرجع تحقیق فرهنگ عامه استفاده نشده و تمام داده‌های تحقیق از میان مردم تالش زبان ماسوله و پیران روستاهای اطراف به صورت میدانی جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است. در این پژوهش از همکاری افراد محلی گویشور در جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شده که از آن جمله خانواده آقای شیرخان

تحریری ماسوله، خانم بی حساب ماسوله، آقای طالع ماسوله، آقای عسکریور، خانم سکینه تحریری ماسوله و پیران و بزرگان محل می توان یاد کرد.

پیشینه تحقیق

سعدیه حیدری (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی (با تکیه بر ضرب المثل ها و مثل نماهای کردی)»، استاد راهنما: پروانه دانش، دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی. کارشناسی ارشد.

موضوع این پژوهش بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه ی کردی با تکیه بر ضرب المثل ها و مثل نماهاست که به روش کیفی تحلیل محتوا و با تکیه بر نظریه ی طرح واره ی جنسیتی ساندرا بوم و جنسیت زدگی زبانی به پژوهش در فولکلور قوم کرد اقدام شد. کاردرگر، یحیی (۱۳۸۷). مقاله «ردپای فرهنگ توده در اشعار اخوان با تأکید بر شعر قصه شهر سنگستان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۷، بهار.

در این مقاله، میزان تأثیرپذیری اخوان از فرهنگ توده بیان شده و مورد بررسی قرار می گیرد. اعظم جمالی گشتی (۱۳۹۱). «بررسی تحلیل مردم شناختی تغییرات فرهنگی ترانه های شالیزار استان گیلان (مطالعه موردی، روستای خرگیل تالش و روستای لیش سیاهکل)»، استاد راهنما: محمد عارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، کارشناسی ارشد. در این تحقیق، تحلیل تغییرات فرهنگی ترانه های شالیزار در روستاهای خرگیل و لیش از استان گیلان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پورقاز، عبدالوهاب و رقیبی، مهنوش (۱۳۸۹). مقاله «بررسی تطبیقی آداب و سنن مراسم ازدواج در کشورهای اسلامی ایران، شبه قاره، سوره و لبنان»، مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام.

در این مقاله، آداب و رسوم ازدواج در بین کشورهای ایران، اعراب و هندوستان مورد پژوهش قرار گرفته و در مطالعاتشان به این نتیجه دست یافته اند که در بعد تشکیل خانواده شباهت قابل توجهی در بین این سنن وجود داشته است.

عاطفه غفوری (۱۳۹۱). «زن در قصه های عامیانه ی آذربایجان»، استاد راهنما: محمدعلی رنجبر، دانشگاه شیراز - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. کارشناسی ارشد.

این تحقیق سعی دارد با مطالعه ی قصه های عامیانه ی آذربایجان به نوع نگاه جامعه ی آذربایجان به زن برسد. بدین منظور عنصر زن به دو شیوه مورد بررسی قرار گرفت. نخست ساختار قصه ها به شیوه ی ریخت شناسی مطالعه شد و سپس مفهوم و محتوای آن ها به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت.

شیوایی، فاطمه (۱۳۸۹). پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «آداب و رسوم و آیین های کهن ایرانی در غزلیات سعدی»، استاد راهنما: علی محمد شاه سنی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه سمنان.

غزلیات سعدی یکی از ارزشمندترین آثار به جای مانده نزد ایرانیان است که بسیاری از آداب و رسوم و آیین های کهن ایرانی را باز می نماید.

سبزعلیپور، جهان دوست (۱۳۸۴). پایان نامه کارشناسی ارشد «آداب در باری و عقاید عامیانه در تاریخ بیهقی»، استاد راهنما: میرجلیل اکرمی.

یکی از کتب معتبر تاریخی به زبان فارسی تاریخ بیهقی می باشد که در بین دیگر کتب تاریخی جایگاه ویژه ای دارد. در این پایان نامه سعی شده است آن دسته از آداب و رسومی که در دربار غزنه وجود داشته و در تاریخ بیهقی آورده شده است مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

نبی زاده اردبیلی، ندا (۱۳۸۹). پایان نامه کارشناسی ارشد «انعکاس علوم، آداب و رسوم و باورهای عصر در دیوان انوری»، استاد راهنما: ابراهیم رنجبر.

آدرخش معصومی زیولایی (۱۳۹۰). «بررسی نقش زن در هنر فولکلور روستایی استان مازندران»، استاد راهنما: ابوالقاسم دادور، دانشکده هنر. کارشناسی ارشد.

در این پژوهش کنش و واکنش میان عرصه هنر فولکلور و زن روستایی مورد بررسی قرار می گیرد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای بوده و به شیوه توصیفی - تحلیلی مطالب کنار هم چیده شده است. به این ترتیب که ابتدا شواهد مورد نیاز از منابع مختلف گردآوری و سپس دسته‌بندی و اولویت‌بندی و تحلیل شده است.

فرهنگ عامه

فرهنگ یک جامعه بخشی از سرمایه‌ی یک ملت و یا یک قوم محسوب می‌شود. در مورد فرهنگ و فرهنگ عامه، در کتاب‌ها و لغت‌نامه‌های متعدد، تعاریفی گوناگون آمده است. «دانش عوام» در زبان فارسی معادل اصطلاح فولکلور است. درباره‌ی معنای واژه‌ی فولکلور چنین گفته‌اند: «کلمه فولکلور، مرکب است از دو جزء «فولک» Folk و «لر» که جزء اول را در فارسی به مردم، توده، عامه، خلق و عوام ترجمه کرده‌اند و بخش دوم را به دانش، آگاهی، دانستن، معلومات، حکمت و کلماتی از این‌گونه برگردانده‌اند. در مجموع مترجمان پارسی‌زبان در برابر فولکلور، اصطلاحات فرهنگ مردم، فرهنگ توده، دانش عوام، حکمت عامیانه، فلسفه عوام، معرفت عامه، اخلاق عامیانه، توده‌شناسی و عباراتی از این قبیل آورده‌اند» (بیبهقی، ۱۳۷۶، ۱۸). «نخستین بار امبرواز مورتن در (۱۸۸۵م) آثار باستان و ادبیات توده را فولکلور (folk lore) نامید یعنی دانش عوام» (هدایت، ۱۳۹۵، ۲۳۳). مدت‌ها گذشت تا ترکیب مذکور جنبه‌ی بین‌المللی به خود گرفت. «در زبان فارسی، فولکلور را «فرهنگ عامه» و «فرهنگ عوام» و «دانش عوام» ترجمه کرده‌اند» (محبوب، ۱۳۸۷، ۳۵).

ویلیام تامز، فولکلور را گونه‌ای نظم علمی می‌دانست که موضوع آن بحث درباره‌ی دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی است (فاضلی، ۱۳۸۱، ۸۱). ماسه معتقد است که فولکلور عبارت است از علم سنن، مراسم، اعتقادات، آداب و رسوم، افسانه‌ها، ترانه‌ها و ادبیات مردم یک سرزمین که در معنی گسترده‌تر آن، تمام افسانه‌ها، ترانه‌ها و آداب و سنن یک قوم یا یک سرزمین را دربرمی‌گیرد. اعم از عامیانه و عالمانه (ماسه، ۱۳۹۱، ۲۷). ادوارد تیلر که تحقیقات مفصلی در مقایسه آداب و رسوم و خرافات ملت‌های مختلف دارد، می‌گوید: «وقتی که ما عادات و اعتقادات چادرنشینان وحشی را با ممالک متمدن بسنجیم، تعجب خواهیم کرد که چقدر از تمدن‌های پست با تغییر جزئی در تمدن عالی دیده و شناخته می‌شود و گاهی هم مشابهت نام دارند» (هدایت، ۱۳۷۸، ۲۳). ایران دارای فولکلوری دیرپا، غنی و پرمایه است. بسیاری از آداب و سنن ایرانی ریشه در تاریخ کهن ما دارند. «هرودوت مورخ یونانی نخستین نویسنده‌ی عهد باستان است که از سنن ایران بهره گرفته و آن‌ها را در آثارش به کار برده است. او در گزارش خود از سنت‌های باستانی و تاریخ گذشته‌ی اقوام مختلف شرق باستان، به سنت عامیانه‌ی زمان خود تکیه کرده است. این نکته، به خصوص در مورد سنت‌های تاریخی پارس و مادها صادق است» (موریس، ۱۳۸۰، ۲۵۰). در مورد اهمیت بررسی و تحقیق در مورد فرهنگ عامه می‌توان بیان کرد که «با ملاحظه این باورداشت‌ها و آیین‌هایی که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر یا از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر انتقال یافته است، به این نتیجه می‌رسیم که ریشه و هویت تاریخی و اصالت ما در گرو شناخت هر چه بیشتر این اعتقادات و باورداشت‌ها است؛ اگر چه بعضاً بسیاری از جلوه‌های فرهنگساز فرهنگ عامه با باورداشت‌های خرافی چنان آمیخته و عجین شده است که ما را در تشخیص سره از ناسره دچار مشکل می‌سازد. این گونه ادبیات که با اولین جرعه‌های ذوقی انسان‌های اولیه و برخورد با طبیعت در جهات گوناگونش پدید آمده، سرشار از مقوله‌های ناب آیینی و عادات و رسوم اجتماعی و باورداشت‌های فرهنگی است که ضرورت جمع‌آوری و تدوین آنها را با تأکید بسیار گوشزد می‌کند؛ و باید گفت که این قصه‌ها، افسانه‌ها، مثل‌ها، لطیفه‌ها، ترانه‌ها، تمثیل‌ها و حکایات و حتی فحش‌ها و ناسزاها و آداب و رسوم مربوط به جشن‌ها و عزاه‌ها، کارهای روزانه، حیات اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مردم که از زمان‌های دور به ما رسید-چه نیک و چه بد-از بهترین منابع شناخت جوامع انسانی و مهم‌ترین وسیله برای پی‌بردن به روحیه ملت‌ها است» (زادفر، ۱۳۸۴، ۶۶-۶۷).

ویژگی‌های فرهنگ عامه

قدمت فرهنگ عامه به اندازه‌ی تاریخ اجتماعی بشر است. اگر چه به درستی نمی‌توان تاریخ دقیقی برای پیدایش فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم، آیین‌ها و مراسم ملی، مذهبی، اجتماعی در نظر گرفت و ادوار تغییر و تحول آن را به درستی طبقه‌بندی کرد اما سابقه‌ی تاریخی فرهنگ عامه را می‌توان از زمان پیدایش جامعه‌های بشری در نظر گرفت. آنچه از تاریخ فرهنگ باستانی ایران باقی مانده، نشان می‌دهد

که مواد فرهنگ زبانی و ادبی توده‌ی مردم در طول زمان بسیار آسیب دیده و بیشتر آن فراموش شده است. در دوره‌ای که زبان پهلوی ساسانی و اوستایی به کار می‌رفت، ادبیات بیشتر به شکل شفاهی در میان مردم رواج داشت زیرا حکومت به مردم عادی اجازه‌ی خواندن و نوشتن و در نتیجه مکتوب کردن فرهنگ عامه را نمی‌داد. در نتیجه، مردم نمی‌توانستند ادبیات و زبان و فرهنگ شفاهی خود را مکتوب سازند. پس از این دوره، به یکباره در دوره‌ی سامانیان، شعر وارد ادبیات فارسی شد که نمونه‌هایی از آن تا کنون باقی مانده است. اما آنچه ما را به تفکر وامی‌دارد آن است که مردم ایران، قبل از دوره‌ی سامانیان، در ایام گذشته در جشن‌ها و شادی‌های خود چه اشعار یا تصنیف‌هایی می‌خوانده‌اند؟ فاصله‌های اجتماعی و طبقاتی مانع بزرگی برای ثبت و ضبط فرهنگ عامه بوده است. در گذشته دانشمندان و شاعران و هنرمندان بزرگ وقت خود را صرف گردآوری فرهنگ عامه نمی‌کردند و این امر نیز خود عاملی در فراموش شدن ادبیات و فرهنگ عامه مردم شده بود (تمیمداری، ۱۳۷۶، ۳۲).

گذر زمان یکی از عوامل تاثیرگذار بر روی باورهاست. یعنی ضمن این که باورها و اندیشه‌های عامه، متحرک و پویا هستند، اما گذر زمان بسیاری از آن‌ها را به انزوا کشانده و تبدیل به خرافه کرده است و در مقابل، موجب پیدا شدن باورهای جدید، اخلاق و عادات و رسوم مذهبی شده است که با وسعتی بیشتر حتی در جامعه‌ی امروزی نیز مطرح هستند. تا جایی که «مردم زمان ما هنوز با ارواح و آل و غول و جن و پری و دیو و موجودات افسانه‌ای درگیرند» (بیبھی، ۱۳۷۶، ۳۲).

همگانی بودن از دیگر خصوصیات فرهنگ مردم است. فرهنگ عامه، متعلق به همه‌ی مردم است، وابسته به شخص یا گروه معینی نیست و کسی نمی‌تواند ادعا کند که آن را ثبت و به دیگران عرضه کرده است. ایجاد همبستگی‌های انسانی نیز از خصوصیات مهم فرهنگ عامه است. وقتی فرهنگ‌ها در طی قرون متمادی، با هم ارتباط برقرار می‌کنند و به تبادل می‌پردازند، به دنبال آن آشنائی‌ها و اشتراکاتی به وجود می‌آید که موجب همبستگی بین انسان‌ها و پدید آمدن روحیه‌ی سازگاری بین آن‌ها می‌شود (بیبھی، ۱۳۷۶، ۱۷-۲۰).

آداب و رسوم و عقاید

مردم هر سرزمینی، نسبت به دنیای اطراف و موجودات آن، عقاید و باورهایی دارند که در طی قرون متمادی شکل گرفته و باقی مانده است. پاسخ به این سؤال که باورها از چه زمانی وارد زندگی بشر شده‌اند، امری ناممکن است ولی آنچه مسلم است، این است که با شروع زندگی بشر، رشد و تکامل باورها نیز شروع شده است. «یکی از مؤلفه‌های تمدن در هر جامعه‌ای آداب و رسوم آن است که در بستر جامعه، پایه‌ی تمدن پیش می‌رود. بدیهی است جمع‌آوری آداب و رسوم هر دوره‌ی راهی روشن برای درک نکات مهم و تاریخ ادبیات آن دوران خواهد بود» (اصلان پور، ۱۳۸۷، ۷۶).

آداب از ریشه‌ی ادب گرفته شده است. در لغت، ادب به معنی دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده و خوی خوش به کار رفته است که جمع آن، آداب است (بهشتی، ۱۳۷۱، ۷۶). و در اصطلاح ادب «معامله انسان با دیگران به لطف، محبت، خوش‌رویی و صداقت و مراعات احترام دیگران به نسبت موقعیت و جایگاه خود است. ادب، ملکه‌ای است که اگر در وجود انسان پیدا شود، با آن می‌تواند خود را از چیزهایی که موجب ننگ انسان می‌شود، باز دارد و به دستورهایی لازم درباره آداب معاشرت با مردم عمل کند. در این صورت، ناسزایی در گفتار و ناروایی در کردار، در او به وجود نمی‌آید. همچنین به وسیله آن ملکه، از کلمات و اشاراتی که عواطف و علاقه‌مندی‌های دیگران را از خود دور می‌سازد، پرهیز می‌کند. همچنین روح حیات در کالبد صاحبش می‌دمد و اوست که زمینه ترقی هر شخص و قوم و ملتی را فراهم می‌سازد» (فجر، ۱۳۷۵، ۴۹-۵۰). در تعریف اصطلاحی واژه‌ی رسم می‌توان بیان کرد که رسم به «رفتار یا عملکردهای اجتماعی غیر فنی و گروهی مربوط می‌شود که یادگیری آن سنتی است و فرد آن را چنان عادت انجام می‌دهد» (گولدا، ۱۳۷۶، ۵۱۲). در تعریف دیگری از آداب و رسوم می‌توان بیان کرد که «آداب و رسوم هر جامعه مجموعه‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی گروهی از مردم است که به دلیل مشترکات دینی یا ملی گرد هم آمده‌اند و به دلیل زیربنای فکری مشترک، از باورها و رفتاری مشترک پیروی می‌کنند» (گشتاسب، ۱۳۹۱، ۱۵۸). مراسم و یا رسوم آیینی را می‌توان «احساسات مشترک و نگرش‌هایی تعریف نمود که در موقعیت‌های مناسب و خاصی به مرحله عمل در می‌آیند و سرشتی نمادین دارند» (گولدا، ۱۳۷۶، ۴۳۷). آداب و رسوم و باورهای یک ملت، به چند دسته تقسیم می‌شوند که شامل باورهای ملی، محلی و مذهبی است. مطهری بر این باور بود که «آداب ملی، آدابی است که در میان مردم... [وجود دارد]. اگر انسان آن‌ها را درست انجام بدهد، حیاتی آباد نمی‌شود، اگر ترک هم بکند، جایی خراب نمی‌شود» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ۲۹۰). زمانی که انسان ابتدایی در جستجوی خوراک، در محدوده‌ی زیستی خود راه‌ها را پیمود و خوردنی‌ها را یافت، الزامات زندگی عقلانی و برآوردن نیازهای اساسی زندگی، موجب پدید آمدن آیین‌ها

و اعتقادات بسیاری شد. خرافات نیز پا به پای باورها در طول تاریخ زندگی بشر، همراه او بوده است. اعتقاد به خرافات منحصر به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه در سراسر این کره‌ی خاکی با شکل و شیوه‌های مختلف بین مردم رایج بوده است و امروزه نیز در زندگی انسان‌ها جریان دارد (پاکدامن، ۱۳۷۸، ۴۶). انواع رسوم را می‌توان به دو دسته‌ی تقسیم کرد:

الف- گروهی که رعایت و پایبندی به آنها نوعی تضمین تأمین مالی و امنیت اقتصادی و دارای مشخصه حمایتی می‌باشد مانند تعیین مهریه و شیربها، خرید جهیزیه، خرید عروسی، مجلس پاتختی و تهیه سبسمونی. ب- گروهی دیگر که جمع شدن افراد فامیل، اقوام و دوستان را در محافلی موجب می‌شوند که شادی و شادمانی را ایجاد می‌کند از قبیل بله‌بران، نامزدی، خنابندان، مجالس عقد و عروسی و تا حدودی مراسم حمام زایمان، مجلس نامگذاری نوزادان و ختنه‌سوران پسر (آزاد، ۱۳۸۱، ۲۵۸).

یافته‌ها و بحث

بررسی آداب، رسوم و فرهنگ مردم تالش زبان ماسوله

در این پژوهش به بررسی باورهای عامیانه پرداخته شده که در بخش اول آن آداب و رسوم، عقاید و باورهای مردم ماسوله و در بخش دوم، خوراکی‌ها و غذاهای مردم این منطقه ذکر شده است.

باورهای عامیانه مردم تالش زبان ماسوله

باورهای عامیانه بخشی از فرهنگ عامه است. در این بخش، فرهنگ، باورها و آداب و رسوم مردم این منطقه مورد بررسی و ارائه قرار گرفته است. آداب و رسوم، شامل شیوه‌های زندگی و رسوم خاص یک ملت یا یک جماعت می‌شود. طوری که همه آن ملت یا آن جماعت راضی به اجرای آن شیوه هستند. آداب و رسوم و فرهنگ عامه رنگ و بوی مدل زندگی، بایدها و نبایدها خط قرمزها مذهب و چهارچوب‌های اساسی حاکم بر آن جامعه را دارد و آداب و رسوم مردم تالش زبان ماسوله نیز از این قائده مستثنا نیست مردم شیعه مذهب و تالش زبان ماسوله دارای آداب و رسومی هستند که جای جای آن رد پای مذهبی و دینی آن هویداست.

طبیعت و گیاهان

بسیاری از آداب و فرهنگ و باورهای عامیانه مردم بر گرفته از گیاهان و انواع درختان و نباتات است. مطالعه در زندگی مردم ماسوله ما را با گنجینه‌ی عظیمی از باورها و نمادهای کهن آشنا می‌کند که بی ارتباط به گیاهان و طبیعت سرسبز ماسوله نیست که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود:

شاخه‌ای از درخت انار را بر بالین زائو می‌گذارند تا مانع جن زدگی شود. غروب هنگام گل را از شاخه جدا نمی‌کنند. بر این باورند که شگون ندارد و ممکن است یکی از اقوام یا همسایه فوت کند. تمام درختان میوه قابل احترام و ارزشمندند؛ زیرا میوه نعمت خداوند است. درخت بید مجنون را جلوی حیاط خانه نمی‌کارند چون معتقدند غم می‌آورد. برای رفع چشم و نظر، شکستن شاخه خشک درخت را موثر می‌دانند. شاخه‌ی تر از درخت به یا انار را زیر کفن مرده قرار می‌دهند، چون بر باورند تا زمانی که آن شاخه خشک نشود او از عذاب الهی در امان است. بوته خیار وقتی شروع به گل دادن می‌کند، زنان تالش برای جلوگیری از ریزش گل‌ها و به بار نشستن و محصول دادن سریع بوته، کله‌ی ماهی دودی را زیر بوته می‌سوزانند و به اصطلاح بوته را دود ماهی می‌دهند؛ زیرا بر این باورند که بوته و یار دارد و با اینکار و یارش بر طرف شده و محصول می‌دهد.

کشاورزی

کشاورزی از مشاغل مهم و اساسی خانواده‌های گیلانی مخصوصاً روستائیان است. اکثر روستاها در میان باغ‌ها و شالیزارها محصورند. اهمیت ماسوله از نظر وضع ساختمانی و معماری خاص آن است و نمی‌توان از نظر کشاورزی زیاد به آن پرداخت، اما با این اوصاف در اطراف ماسوله باغات گردو و فندق به وفور به چشم می‌خورد. شالیکاری نیز در قصابات اطراف مخصوصاً کمدول، خونه‌بر، اشکلیت و سیخ بُن و... وجود دارد. کشاورزان محصولات کشاورزی خود را در بازارهای روز می‌فروشند و دیگر مایحتاج زندگی را خریداری

می‌کنند. علاوه بر گردو و فندق و برنجکاری، ماسوله‌ای‌ها به کشت سیفی‌جات و انواع میوه‌ها و سبزیجات نیز می‌پردازند که در حد رفع نیاز خانواده می‌باشد. در زیر به باورها و آداب و رسوم مربوط به کشاورزی مردم ماسوله اشاره می‌شود:

کشت شالیزار را در روز خوب و خوش یمن شروع می‌کنند و حتی اگر فرصت و موقعیت شروع کار کشاورزی نباشد در حد کشت چند بوته هم که شده کار کشاورزی و شالیکاری را در روز خوش یمن آغاز می‌کنند که به این کار «تاژنده» (tâ žande) می‌گویند. اولین بشقاب از پخت برنج تازه را به دختر خانواده می‌دهد که باعث برکت شود. وقتی محصول برنج را برداشت می‌کنند و در انبار مخصوص به نام کرج (kəraǰ) روی هم با نظم انباشته می‌کنند. مشتی از شالی را زن خانواده به بیرون از کرج آورده به طرف قبله می‌ایستد و بر زمین می‌ریزد تا ماکیان و پرندگان بخورند که باعث زیاد شدن برکت می‌شود. هنگام کار در شالیزار کسی که به طرف زنان در حال کار می‌آید نباید پایش را روی مرز (کرت) بگذارد، مگر اینکه به زنان در حال کار اطمینان دهد که پایش اصطلاحاً سبک است، چون معتقدند که پای سنگین اگر به مرز برسد باعث طولانی شدن کار و عدم پیشرفت می‌شود. اگر پای فرد سنگین باشد دستش سبک باشد باید اول دستش را روی مرز بگذارد و سپس وارد مزرعه شالی شود. زنان شالیکار هنگام نشاء یا وجین اگر لاک پشت ببینند مشتی گل یا توم بر پشتش می‌گذارند که ببینند کدام طرف می‌رود یا اینکار می‌فهمند دختر مورد نظر در کدام سو به خانه بخت می‌رود. به این کار اصطلاحاً می‌گویند: لاکه پشتی بار پنویه Lâka pešti bâr penoye

حیوانات

جای زندگی تالشی‌ها با حیوانات تلاقی دارد. تقریباً هیچ خانواده‌ای نیست که هیچ نوع حیوانی در خانه پرورش ندهد. از مرغ، خروس، اردک و دیگر ماکیان گرفته تا اسب، گاو، گاومیش، بز و گوسفند، گربه و سگ. از این رو حیوانات سهم بسیاری در باورهای عامه و فرهنگ توده این دیار دارند. اگر مرغ، صدای خروس درآورد، برای صاحبش بسیار بدیمن خواهد بود. آن مرغ را سر زده و به فقیر می‌دهند.

اگر روی سگ آب بپاشند، پشت دست زگیل می‌زند. اگر شغال زوزه بکشد، شگون ندارد و اتفاق بدی برای افراد آن خانواده خواهد افتاد. اگر خروس بر در خانه بخواند خبر بدی در راه است. اگر شخص غریبه درباره تعداد گله گوسفندان یا مرغان صاحب‌خانه از او سوال کند، باعث کم شدن تعداد حیوانات و تلف شدن آن‌ها می‌شود. مار سیاه نگهبان خانه است. نباید آن را کشت زیرا سروکله جفت و بچه‌هایش پیدا می‌شود.

اگر کلاغ هنگام صبح غار غار کند، آن روز اتفاقات بدی می‌افتد و یا خبر ناگواری به اهل خانه می‌رسد. اگر لک لک‌ها در تابستان به طرف قبله پرواز کنند، باران خواهد آمد. اگر اردک در آب شنا و آب بازی کند و یا حرکات و بال‌هایش آب را به اطراف بپاشد، باران خواهد آمد. اگر مرغ در خاک بازی کند و با بال و پاهایش خاک را به اطراف بپاشد، نشانه بارندگی است.

دامداری

مردم ماسوله و حاشیه به علت کوهستانی بودن منطقه اکثراً دامدارند و از زمان‌های گذشته تاکنون دامداری از مهم‌ترین شغل‌ها و راه‌های درآمد خانواده‌هاست. علاوه بر صنایع دستی کوچک مانند ساخت ابزارهای دستی چموش‌دوزی و بافته‌های پشمی، به پرورش گوسفند، گاو و اسب می‌پردازند و از این راه علاوه بر رفع مایحتاج گوشتی و لبنی خانواده مابقی محصولات دامی را در بازارهای ماسوله و فومن بفروش می‌رسانند و منبع درآمد خوبی برای خانواده‌ها محسوب می‌شود. در زیر به باورها و آداب و رسوم مربوط به دامداری مردم این منطقه اشاره می‌شود:

دامدار علی‌الخصوص افراد پا به سن گذاشته و باتجربه قبل از دوشیدن شیر گوسفندان و گاو، وضو می‌گیرند و پاک و مطهر اقدام به دوشیدن شیر حیوانات می‌کنند. گوسفندان تازه زایمان کرده و بره‌هاشان را حتی الامکان از دید دیگران دور نگه می‌دارند، تا از چشم و نظر در امان باشند. هنگام خرید و فروش چهار پا، کودک خردسال یا نوجوان فروشنده از خریدار مبلغی را طلب می‌کند به عنوان لافنده سری (lâfənda sari) خریدار نیز جهت توفیق و بهره‌وری بیشتر در این معامله، این کار را با اشتیاق انجام می‌دهد. یک لیوان از اولین شیری را که از گاو می‌دوشند را محکم روی دیوار خانه می‌باشند به طوری که کاملاً پخش شود؛ زیرا بر این باورند که هر چه بیشتر شیر روی دیوار پخش شود و قطرات زیادتری از آن بریزد به همان اندازه گاو، گوساله‌های بیشتری خواهد آورد. شیر گاو را شب هنگام و پس از غروب آفتاب به بیرون از خانه نمی‌دهند و اگر مجبور به اینکار باشند، روی ظرف تکه‌ای ذغال یا سنجاق

فلزی می‌گذارند که به اعتقاد تالشان از بی‌وقتی شدن گاو جلوگیری می‌کند. بی‌وقتی شدن باعث بیماری گاو یا زخم شدن پستان گاو می‌شود. بی‌وقتی حالتی است که مردم معتقدند اگر در زمان نامناسب به جایی بروند، توسط اجنه تسخیر می‌شوند و به اصطلاح دچار «بی‌وقتی» می‌شوند. طبق باورهای عامیانه، جن‌ها معمولاً در حمام‌های تاریک، خرابه‌ها و نظایر چنین جاهایی زندگی می‌کنند از این رو در محیط‌های تاریک و شب‌ها سعی می‌کنند به تنهایی وارد نشوند. قصاب را کنار گله راه نمی‌دهند، تا مبادا تأثیر بد بر روی گوسفندان و دام‌ها بگذارد. از این باور برمی‌آید که افراد این منطقه بر انرژی‌های فکری نیز باور داشته و آن را مهم دانسته‌اند.

آداب و رسوم و عقاید مربوط به زندگی فردی و اجتماعی

در این بخش به عقاید و آدابی اشاره می‌شود که مردم عادی در جریان زندگی انجام داده و به آن‌ها باور دارند. در این بخش، مراسم و رسومی که میان مردم ماسوله اجرا می‌شود و جنبه‌ی دینی داشته و گاه برخاسته از فرهنگ ایرانی باستان است، قرار گرفته است.

تمسک به قرآن

مردم این ناحیه‌ی قرآن را مهریه عروس می‌کنند. عروس هنگام رفتن به خانه بخت اولین قدم را به سوی قبله برمی‌دارد. مسافران را از زیر قرآن رد می‌کنند. هنگام اسباب‌کشی اولین وسیله‌ای که به خانه جدید می‌برند قرآن، شمع یا چراغ عامل نور و روشنایی و کاسه آب عامل روشنایی و جریان داشتن زندگی است. بر سر سفره هفت سین نوروزی قرآن می‌گذارند و هنگام تحویل سال قرآن قرائت می‌کنند و موارد بسیار دیگر...

علم بندی و عزاداری محرم

ماسوله از چهار محله‌ی اصلی تشکیل شده: اسد مله (اسد محله) کی سر (بالای ماسوله) خونه‌ور (خانه بر) مزور (مسجد بر). در ماسوله مراسم علم بندی و عزاداری محرم به شکل خاصی برگزار می‌شود. هر سال اول محرم مردم هر محله در ماسوله مقابل مسجد محل خود جمع می‌شوند. اولین سنج و اولین آوای عزاداری امام حسین از مسجد محله مزور (مسجدبر) شنیده می‌شود؛ زیرا این محله به نوعی مرکز و نقطه عطف مناسبت‌های مذهبی در ماسوله است. به این ترتیب عزاداری محرم در ماسوله آغاز می‌شود و هر سال هیئت عزاداری یکی از محله‌ها به طرف بازار حرکت می‌کند. جوانان و اهالی پرشور خالصانه در مراسم شرکت می‌کنند و سینه‌زنی می‌کنند. از هفتم ماه محرم دسته‌های عزاداری بزرگان در کوچه‌ها حرکت کرده اما با شکوه‌ترین این مراسم روز دهم محرم برگزار می‌شود تا دوران عزاداری حسین (ع) را پایان بخشند.

این هیئت از مقابل مسجد محل حرکت کرده و به طرف بازار و نهایتاً در کنار بقعه امامزاده عون بن علی (ع) پایان می‌پذیرد و در آنجا حاضرین با شربت ریحان پذیرایی می‌شوند. در غروب روز ششم و شب هفتم مراسم و آئین سنتی علم بدون (علم بندی) آغاز می‌شود. ابتدا بر روی بام‌ها و حیاط مساجد سنج‌ها را به صدا درمی‌آورند و در شیپورها می‌دمند تا اهالی محله‌ها دور هم جمع شوند. مردم در حیاط امامزاده عون بن محمدعلی (ع) جمع می‌شوند و نوحه «ای اهل علم، میل علمدار نیامد، میل علمدار کو حضرت عباس کو» سر می‌دهند. دسته‌های عزاداری چهار محل ماسوله در صحن امامزاده حاضر می‌شوند و علم‌های مسجدشان را که با پارچه‌های مشکی و سبز آراسته شده را از قدیمی‌ترین علمدار شهر تحویل می‌گیرند. علم‌ها با نمادهای عاشورایی ملبس شده بر بالای علم پنجه فلزی که نمادی از دست بریده علمدار کربلاست، از بالکن امامزاده تحویل بزرگان محله‌ها می‌شود و پس از سینه‌زنی راهی محله خود می‌شوند. این دسته‌های چهارگانه به نوبت و اولویت مسجدها در صحن امامزاده جمع می‌شوند که «مسجد بر» اولین آن‌هاست. مراسم سنتی علم بندی قدمتی ۸۰۰ ساله دارد و ماسوله‌ای‌ها این مراسم را هر ساله با شکوه خاصی برگزار می‌کنند. در این شب درهای اکثر خانه‌ها برای دادن نذری باز است. ماسوله‌ای‌ها از عزاداران با غذا، شیر داغ و کلوچه پذیرایی می‌کنند و زیر پای عزاداران گوسفند قربانی می‌کنند.

مراسم عید قربان

در ماسوله این عید، عید بزرگی برشمرده می‌شود. در عید قربانی گوسفندی قربانی می‌شود. این عید به یاد قربانی حضرت ابراهیم (ع) است. گوسفند باید یک روز به عید مانده خریداری شود، فردای آن روز یعنی روز عید به سر و پشت گوسفند حنا می‌بندند و کنار

پلک‌هایش را سرمه می‌کشند. برای بریدن گوسفند او را رو به قبله (رو به مکه) می‌خوابانند. باید با یک ضربت کارد گلوی او را برید، ولی نباید سرش را از تن جدا کرد. گوشت این گوسفند تقسیم می‌شود و میان همسایگان و فقرا پخش می‌شود.

چهارشنبه‌سوری

چهارشنبه‌سوری یکی از جشن‌های ایرانی است که در غروب سه شنبه شب پیش از آخرین چهارشنبه ماه اسفند برگزار می‌شود. شب چهارشنبه‌سوری به خصوص از لحاظ آداب و معتقدات عمومی بسیار غنی است. سوری همان سرخی است و چهارشنبه سوری یعنی چهارشنبه سرخ و آتش. چهارشنبه‌سوری از سنت‌های باستانی ایرانیان است که در ماسوله نیز برپا می‌شود. این جشن پایان سال در میان تالشان منطقه‌ی ماسوله از برجسته‌ترین و پرشورترین رسوم مقدماتی نوروز است که مهم‌ترین عنصر آن آتش است. در شب چهارشنبه آخر سال، مردم با برپایی شور و سرور طی مراسم باشکوه و دلپذیری این جشن را برگزار می‌کنند و همچنین چند روز به عید نوروز مانده و قبل از فرا رسیدن آخرین چهارشنبه سال، مردم به خانه تکانی می‌پردازند. مراسم خانه تکانی هنوز هم نزدیک عید نوروز در همه جا انجام می‌شود.

نام تالشی چهارشنبه‌سوری کیلی چاهارشمبه (kili çâhâr şamba) است. ماسوله‌ای‌ها این جشن دیرینه را با آتش زدن کاه برنج آغاز می‌کنند. به این ترتیب که به طرف قبله در هفت نقطه پشته‌های کاه برنج می‌گذارند و هنگام تاریک شدن هوا آتش می‌زنند و با شادی از روی آن می‌پرند و خوشحالی می‌کنند. ساکنان خانه، کوچک و بزرگ از روی این آتش می‌پرند و تفاوتی میان افراد خانه وجود ندارد.

آن شب شام غذای مخصوص برای شام فراهم می‌کنند مانند ترش تره محلی، کوکو سبزی، ماهی همراه با کته. در شب چهارشنبه‌سوری دختر دم بخت خانواده را هنگام وارد شدن به خانه با جارو می‌زنند. به این نیت که تا سال بعد چهارشنبه‌سوری در خانه نماند و به خانه بخت برود. بر مبنای باوری عامیانه، زنی به نام «چهارشمبه خاتون» در آن شب به خانه‌ها سر می‌زند. این پری گیسو بلند برای خانواده خیر و برکت می‌آورد. افسانه‌ی «خاتون چهارشنبه سوری» از جمله افسانه‌های مشهور گیلان است که ریشه در اساطیر و باورهای کهن این مرز و بوم دارد. در این افسانه، خاتون که سالی یک بار و آن هم در شب چهارشنبه سوری از مکان و مأوای تاریک خود- که در چاهی کهنه و در مکانی نامعلوم است - بیرون می‌آید. وی بعد از سرکشی از منازل و بررسی نظافت آن‌ها، سپیده دمان به مکان دائمی خود برمی‌گردد. بنا بر این افسانه، مردمان ماسوله هر ساله در چنین شبی، منتظر ورود وی می‌شوند و برای خوشنودی‌اش، از قبل منازل خود را تمیز می‌کنند، لباس پاکیزه می‌پوشند، از خوراکی‌های مخصوص شب چهارشنبه سوری برایش سفره ای تدارک می‌بینند و در گوشه ای تا صبح می‌گسترانند. آن‌ها بر این باورند که خاتون در چنین شبی بعد از سرکشی از منازل به تمیزترین خانه‌ها می‌رود، غذا می‌خورد و با این عمل خانه آن‌ها تا سال آینده پربرکت خواهد بود؛ اما اگر خاتون ناراضی باشد، سال بدی خواهند داشت. به همین دلیل تالشان هفت نوع خورشت به همراه بشقابی از پلو در سینی گذاشته پشت در خانه می‌گذارند تا افراد فقیر و نیازمند از آن بخورند و برای اهل خانه دعا کنند و خیر بخواهند. تالشی‌ها که او را «چهارشنبه خاتون» می‌نامند و با صفاتی چون «گلابتون گیسوبلند و دارای اندام زیبا» توصیف می‌کنند (موسوی، ۱۳۸۶، ۷۵)، بر این باورند که خاتون، شب چهارشنبه سوری، هنگام خواب، از خانه آن‌ها دیدن می‌کند (رفیعی، ۱۳۸۶، ۱۰۰).

عید نوروز

این تنها عیدی است که میان شیعیان و زرتشتیان مشترکاً برپا می‌شود. این عید در سیزده روز انجام می‌گیرد. چهره‌ی کلی نوروز در میان ماسوله‌ای‌ها و تالشان حاشیه همانند دیگر اقوام ایرانی است. شور و نشاطی همه جا را فرا گرفته همه در تکاپو و تلاش‌اند تا با آمادگی کامل به استقبال تحویل سال و عید بروند.

روزهای آخر اسفند همیشه همراه است با خانه تکانی، شستشوی وسایل، جابه جایی و تغییر دکوراسیون خانه، ترمیم و رنگ‌آمیزی دیوارهای خانه که قبلاً اینکار را با گل شالیزار انجام می‌دادند. گل صاف و بدون زباله جمع‌آوری می‌کردند. در ظرفی ریخته به آن آب و سوسو برنج (فل fəl) اضافه می‌کردند و کار تمیزکاری و رنگ‌آمیزی دیوارها را انجام می‌دادند که به آن «ویشور آلاوه» (âlâv) می‌گفتند. (avišur)

پس از آماده کردن خانه و خانه تکانی به بازارهای محلی می‌رفتند و لباس نو و وسایل موردنیاز را خریداری می‌کردند. اصولاً همه به ویژه کودکان باید لباس نو بپوشند. پانزده روز مانده به عید نوروز، سبزه تهیه می‌کنند. بدین ترتیب که گندم و، جو یا عدس را در آب خیس می‌کنند تا ریشه بدواند و بعد دانه‌های جوانه زده را به بشقاب (یا روی کوزه ای) پهن می‌کنند تا سبز شود. این بشقاب در عید نوروز در مراسم هفت سین روی سفره قرار می‌گیرد. نوروزی‌خوانی یکی از رسوم قدیمی تالشان است در روزهای انتهایی سال چند نفر از جوانان هنگام غروب خورشید و در تاریکی هوا در محله‌های مختلف می‌گشتند و با صدایی زیبا نوروزی خوانی می‌کنند. «نوروزنامه‌خوانی کاری گروهی است و هر گروه نوروزنامه‌خوان معمولاً سه نفرند و هریک از آنها وظیفه مشخصی دارد. نفر اول که خوش صداتر است تکخوان و نفر اصلی گروه می‌باشد. دومی «دم گیرنده یا همخوان» و نفر سوم «حمل‌کننده بار» است» (عیدلی، ۱۳۸۶، ۴۱۳-۴۱۴). گروه‌های نوروزنامه‌خوان هر روز ساعتی پس از تاریک شدن هوا، گشت و گذار خود در محله‌ها را آغاز می‌کنند و به هر خانه‌ای که می‌رسند بی‌هیچ مقدمه‌ای نوروزنامه‌ای را با آهنگی دل‌انگیز می‌خوانند و سپس در مقابل هدایایی از قبیل پول، برنج، شیرینی، تخم‌مرغ و غیره دریافت می‌کنند. هدیه‌ای که باید به نوروزنامه‌خوان داده شود در ظرفی گذاشته می‌شود و به وسیله یکی از اعضاء خانواده با خوشرویی و احترام به نزد گروه نوروزنامه‌خوان برده می‌شود و آنها هدیه را برداشته و ضمن دعای خیر یک شاخه کوچک شمشاد در ظرف خالی می‌گذارند و راهی خانه‌ای دیگر می‌شوند. صاحب‌خانه‌ای که شاخه شمشاد را از نوروزنامه‌خوان دریافت می‌نماید اگر کشاورز باشد آن را در ظرف یا انبار غله خود می‌اندازد تا در سال جدید کارهای زراعی‌اش به خوبی و خوشی پیش برود و محصول بیشتری برداشت نماید و اگر دامدار باشد آن شاخه شمشاد را به میان دام‌های خود می‌برد تا در سال تازه بلایی بر سر دام‌هایش نیفتد. قابل ذکر است هنوز هم هر ساله شاهد نوروزی‌خوانی در محله‌های مختلف ماسوله هستیم. مضمون کلی اشعاری که در نوروزی‌خوانی خوانده می‌شود، مدح ائمه و اولیا، وصف بهار و دعای خیر برای اهالی خانه است.

ماسوله‌ای‌ها در آستانه تحویل سال نو همانند جاهای دیگر سفره هفت سین پهن می‌کنند. علاوه بر هفت سین بر سر سفره قرآن، آب، گل، میوه، شیرینی، چراغ یا شمع، آئینه و قیچی و تخم‌مرغ‌های رنگی و اسفند قرار می‌دهند. اهل خانه هنگام تحویل سال کنار سفره می‌نشینند و به خوش یمنی نگاهی در آئینه می‌کنند و با قیچی گوشه‌ای از سفره هفت سین را می‌چیند و بر قرآن بوسه می‌زنند و آن را تلاوت می‌کنند.

دخترانی که دوران بلوغ و جوانی خود را می‌گذرانند و از هر لحاظ آماده ازدواج هستند ولی هنوز همسر مناسبی نیافته‌اند و فکر می‌کنند که بختشان خوابیده است صبح روز عید نوروز دور از چشم دیگران یک تیکه قند و یک تیکه نمک را در گوشه‌ای از محوطه خانه خود در زمین دفن می‌کنند و صبح روز سیزده سال به سراغ آن رفته و خاک و خاشاک رویش را پس می‌زنند. اگر آن تیکه‌های قند و نمک آب شده و از بین رفته باشند باور دارند که گره بختشان گشوده و در آن سال ازدواج خواهند کرد. سفره‌ای روی زمین در بهترین اتاق خانه می‌گسترند. بر بالای سفره آئینه‌ای می‌گذارند و در دو سوی آئینه دو شمعدان جای می‌دهند و شمع‌هایی که سر سفره هفت‌سین گذاشته شده، باید تا آخر بسوزد و خاموش خودش شود. در انتظار تحویل سال نو اشخاص مومن آیاتی چند از قرآن مجید تلاوت می‌کنند و یا دعای مخصوص تحویل سال می‌خوانند. اگر کسی از افراد خانواده در هنگام تحویل سال نو غائب باشد، می‌گویند چنین شخصی تا سال دیگر همیشه دور از خانمان و سرگردان خواهد بود.

«از قدیم نوروز مهم‌ترین مراسمی بوده است که ضمن آن ایرانیان به یکدیگر تبریک می‌گفتند، و مراسم تبریک گفتن هم صورت رسمی و هم به صورت خصوصی برگزار می‌شده است. در طول ملاقات‌های نوروزی ایرانیان عباراتی مانند: عید شما مبارک، تبریک عرض می‌کنم، صد سال به این سال‌ها» به هم می‌گویند» (آموزگار، ۱۳۹۰، ۲۵۶). در عید نوروز بازار دید و بازدیدها بسیار داغ است. در بیشتر خانه‌ها سفره‌ی عام شام و نهار پهن است و هر کسی از آشنا و غریبه که از راه برسد، در جمع اهل خانواده می‌نشیند و غذا می‌خورد. کوچکترها به دیدار بزرگترها می‌روند و عیدی و هدیه دریافت می‌کنند. علاوه بر اقوام و فامیل همسایه‌ها نیز به دیدار هم می‌روند و تلاش می‌کنند همگی از احوال هم باخبر باشند.

مردم به پیروی از سنن باستانی معتقدند که روز سیزدهم فروردین باید پا از خانه بیرون بگذارند و به باغ و صحرا بروند و روز را در کنار سبزه، گل، آب روان و در دامن طبیعت بگذرانند. به همین لحاظ تدارک روز سیزده را یک روز قبل دیده و صبح روز سیزده مرد و زن با افراد خانه، وسایل خورد و خوراک و تهیه غذا و زیرانداز برداشته، دسته‌دسته رو به طبیعت حرکت می‌کنند. در این روز مردم این دیار از صبح خروس‌خوان و زود تا شامگاه آئین‌های مختلفی را برای گذران یک روز شاد انجام می‌دهند. مردم ماسوله در گذشته روز سیزده بدر گوسفند قربانی می‌کردند و از گوشت آن کباب تهیه می‌نمودند. گوسفندی که در سیزده می‌کشتند باید یک دست سفید

می بود یا یک دست سیاه و لکه نداشته باشد. آجیل، کاهو یا سکنجبین همراه داشتند. دست و دلبازی می کردند و به همسایه نیز از غذای تهیه شده خود می دهند. ماهی سفره هفت سین در رودخانه رها می شود. سبزه را گره زده و در جنگل رها می کنند و سنگ در رودخانه انداخته و آرزوهای خوب می کنند. در این روز غذای سبزی پلو یا کوکو سبزی تهیه می کنند. دختران دم بخت هم در این روز سبزه‌ها را گره زده و از خدا می خواهند تا سال دیگر به خانه شوهر روند.

آداب عروسی

در گذشته مراسم عروسی به شیوه‌ای بسیار زیبا و دل انگیز برگزار می شد. مراسم خواستگاری، جشن نامزدی و عروسی در نزد تالشان با آئین‌های خاص همراه است. در گذشته پدر دختر بدون اطلاع دخترش را به عقد پسر مورد نظر درمی آورد که نه اعتراضی وجود داشته و نه حق انتخابی اما اکنون این گونه نیست و این آداب و رسوم با گذشت زمان تغییر کرده است. اولین جشن شیر خواری (šira xâri) نام دارد که همان جشن نامزدی است و با شکستن و خوردن کله قند شروع می شد. رسم بود که دختر جهت اثبات و نشان دادن شرم و حیای دخترانه خود، روز جشن بر پشت بام خانه خود یا خانه همسایه می رفت. مادر دختر او را می یافت و به مجلس جشن می آورد و او را بر سر سفره عقد می نشاندند.

دومین مراسم، پهن کردن سفره عقد است. این رسم در ماسوله به این شرح است که ابتدا روز خوش یمنی را از روی تقویم تعیین می کنند و دو خانواده با دوستان در خانه دختر حضور می یابند. قرآن، آینه شمعدان، قند شربت نام، کاسه برنج، کاسه آب که رویش گل و برگ سبز ریز بود، دو جبه قند می گذاشتند. سفره عقد پارچه‌ای سفید بود. در اتاق عقد زن دو بخته و شوهر مرده نباید حضور داشته باشند.

شب حنابندان یک شب قبل از عروسی است دست‌های عروس و داماد حنا می بندند و مابقی حنا را به جوانان می دهند که بختشان گشوده شود. در شب حنابندان مادر دختر غمگین و ناراحت است و ترانه معروف زیر را می خواند:

bendun benduna ošân بندون بندونه اوشان

hinâ benduna ošân حینا بندونه اوشان

kila nana râ mavâyan کیله ننه رامواین

kila mimona ošân کیله میمونه اوشان

بندان بندان است امشب حنابندان است امشب

به مادر دختر نگوئید دختر مهمان است امشب

شب قبل از عروسی مراسم حنابندان برگزار می شود. فردای آن شب عروس آماده رفتن به خانه‌ی بخت است. عروس لباس زیبای محلی به رنگ‌های قرمز، سبز، زرد و یا آبی که هدیه‌ی خانواده داماد بود به تن می کند و منتظر آمدن خانواده داماد می شود. عروس هنگام خارج شدن از منزل پدری اولین قدم‌هایش را به طرف قبله برمی دارد و راهی خانه بخت می شود. بر سر در ورودی برادر عروس مانع خروج عروس می شود و از داماد پول و هدیه طلب می کند که به «بره سری bara sari» معروف است. برادر عروس پس از دریافت پول از چهارچوب در کنار می رود. عروس هنگام خروج از زیر قرآن رد می شود. مادران هنگام فرستادن دختر به خانه بخت به همراه جهیزیه، چندین دست جوراب پشمی، دستمال و جانماز به او می دهد و او پس از مراسم عروسی برای هریک از خویشاوندان داماد یک دست می فرستد و خویشاوندان در برابر گرفتن آن هدایا به صورت تقابلی برای عروس هدیه‌ای می فرستند. نزدیکان و اقوام داماد به خانه عروس می آمدند و او را سوار بر اسب به خانه داماد می بردند. روی اسب پارچه قرمز بزرگی می گذاشتند. علاوه بر عروس، برادر وی نیز سوار بر همان اسب می شد. پس از سوار شدن روسری بزرگ قرمز رنگی روی عروس می گذارند و با هلهله و شادی به راه می افتند. هنگام ورود عروس به حیاط خانه داماد، زیر پایش تخم مرغ می گذارند تا عروس روی آن‌ها پا بگذارد و بشکند؛ زیرا بر این باورند که باعث سپیدیختی عروس و از بین رفتن چشم زخم می شود.

وقتی به خانه داماد می رسیدند عروس را پیاده کرده وارد خانه داماد می شوند. پس از ورود به منزل داماد، عروس نمی نشیند سرپا می ماند تا هدیه‌ای به عنوان «نشسته را» nâšte râ یا زیر لفظی از پدر شوهر دریافت کند. همانند قطعه‌ای زمین، گاو، گوسفند و غیره. پس از اینکه عروس نشست پسر نابالغی را (ترجیحاً از اقوام) روی پای عروس می نشانند، زیرا معتقدند با این کار اولین فرزند عروس پسر خواهد شد. عروس جوراب پشمی کوچکی که قبلاً مادر برایش فراهم کرده بود به پسر بچه هدیه می دهد. رسم بوده که

برادر داماد در کنار عروس می‌ایستاد و کلاه خود را از سر برداشته روی سر عروس می‌گذاشت هفت بار این کار را تکرار می‌کرد و با هفت مرتبه تفنگی را از بالای آسبی که عروس سوار آن بوده با دست راست عبور داده و از زیر شکم اسب با دست چپ می‌گرفت. رسم بوده وقتی که عروس و همراهان به خانه داماد نزدیک می‌شوند، شخصی چند گلوله شلیک می‌کرد و داماد با شنیدن صدای شلیک تفنگ به استقبال عروس می‌آمد. عروس را صبح هنگام به خانه بخت می‌برند که همراه با طلوع خورشید نور و روشنایی با خود به خانه شوهر ببرد. در ایران، روز و روشنایی نمادهای نیک اهوراییاند و نشانهٔ بهروزی و شادمانی و گشایش در کار (کزازی، ۱۳۹۰، ۱۶۹). در شب عروسی از طرف داماد مردان جوان را به شام دعوت می‌کردند و تا نزدیک صبح به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. بزرگان فامیل هم از زن و مرد در این مراسم دعوت می‌شوند که به مراسم «جونه نشا» معروف است. شایان ذکر است که با گذشت زمان و تغییر در سبک زندگی این رسوم تقریباً فراموش شده‌است. هنگام عروس بران، خانواده داماد پنهانی و به دور از چشم صاحبخانه ظرفی مسی از خانه عروس می‌برند زیرا بر این باورند برکت به همراه دارد.

تولد

در گذشته تولد فرزندان در خانه اتفاق می‌افتاد. زن آبستن هرگاه احساس درد می‌کرد به اطلاع بقیه می‌رساند و همسرش به دنبال مامای محلی می‌فرستاد تا برای زایمان به کمکش بیاید. مردان و فرزندان خردسال از اتاق زایمان و حتی الامکان از خانه خارج می‌شوند. تشت آب پتو و چند تکه پارچه از لوازم کار بود. زنی که زایمان سخت داشت و درد می‌کشید بالای سرش ریسمانی از کاه برنج که از قبل درست کرده بودند، می‌آویختند. زائو ریسمان که تالشان به آن «جیبند» jibend می‌گویند، می‌گرفت و تحمل درد می‌کرد. فرزند تازه متولد شده را از کسانی که چشمشان شور است دور نگه می‌دارند. اگر ناخواسته شخص غریبه‌ای نوزاد را ببیند برایش اسپند دود می‌کنند. زن آبستن اگر به شخصی زیاد نگاه کند، معتقدند که بچه‌اش شبیه آن شخص خواهد شد. زن آبستن اگر صورتش لک داشته باشد، بچه‌اش دختر است. درخانه‌ای که زائو درحال وضع حمل است، زن فرزند مرده نباید وارد آن خانه شود. پس از اینکه نوزاد متولد شد تا چهل شبانه روز مادر نباید جایی برود. او با نوزاد در خانه می‌ماند زیرا بر این باورند که دچار بی‌وقتی یا جن‌زدگی می‌شوند. به هر دلیلی اگر مجبور شد کودک را تنها بگذارد و از خانه خارج شود، بالای سر کودک جسمی فلزی قرار می‌دهد که معتقدند اجنه و ارواح را از کودکش دور می‌کند. از روی نوزاد رد نمی‌شوند. اگر ندیده و به اشتباه این کار را کردند باید برگردند و دوباره به نقطه‌ی اول بازگردند؛ زیرا باورشان این است که این کار مانع رشد بچه می‌شود. تکان دادن گهواره خالی را بسیار بد می‌دانند و از این کار به شدت پرهیز می‌کنند، زیرا معتقدند نوزاد به درد شکم دچار می‌شود. به لباس بچه سنجاق می‌زنند و معتقدند که فرزند را از آزار جن حفظ می‌کند. به نوزادی که دچار باد فتق شده باشد، تخم لاک‌پشت می‌دهند و مادر نوزاد تا سه بار نباید آب بخورد.

عزاداری و سوگواری

مجالس سوگواری و ماتم در فرهنگ مردم در میان اقوام به شکل‌های مختلف و تشریفات خاصی برگزار می‌شود که در تمام آن‌ها دو هدف مدنظر است:

- ۱- طلب آمرزش و آرامش برای فرد در گذشته که جنبه اعتقادی دارد.
 - ۲- همراهی و همدلی با بازماندگان و حفظ احترام شئون خانواده که جنبه اجتماعی آن است.
- برگزاری این مجالس در نزد ماسوله‌ای‌ها نیز همراه با آئین‌ها و رسم‌های خاصی که بیشتر آن‌ها از اعتقادات و دستورات دینی است سرچشمه گرفتند.

مردم تالش زبان این منطقه پس از فوت شدن شخصی خانواده‌اش را مخصوصاً اقوام و همسایه باشند تنها نمی‌گذارند و در مراسم شام غریبان، سوم، هفتم و... در کنار خانواده متوفی هستند. مراسم سوم و هفتم را با اعلامیه‌هایی که بر در و دیوار می‌زنند، اعلام می‌کنند. مراسم سوم که معمولاً بر سر مزار و یا مسجد محل برگزار می‌شود. پس از پایان مراسم مردم دسته دسته به خانه متوفی می‌روند و به آن‌ها تسلیت و سر سلامت می‌گویند. خانواده عزادار مخصوصاً زنان تا چهل روز مشکی می‌پوشند، آرایش نمی‌کنند، عطر نمی‌زنند. در بعضی موارد تا پایان سالگرد حتی در هیچ جشنی شرکت نمی‌کنند. برای مراسم چهلم قبل از برپایی مراسم قبر مرده را درست می‌کنند یعنی سنگ گور می‌گذارند و آن را با گلاب می‌شویند. معمولاً چهلم را در منزل برپا می‌کنند و به حاضرین شام می‌دهند و قرآن خوان دعوت می‌کنند. قرآن‌خوان‌ها قرآن می‌خوانند و برای شادی روح فرد در گذشته طلب آمرزش می‌کنند.

پس از پایان مراسم چهل یکی از زنان اقوام یا بزرگتر خانواده تلاش می‌کند مشکی را از تن عزاداران درآورد. به این ترتیب که لباس‌هایی از قبل برای هر کدام از عزاداران خریداری کرده به آن‌ها می‌دهد و از آنان می‌خواهد مشکی را از تن درآورند و می‌گوید که فرد متوفی راضی نیست که پیش از این مشکی پوش و عزادار بماند. در این مجالس وقتی افراد فامیل و همسایه‌ها از عزاداران خداحافظی می‌کنند و آماده رفتن می‌شوند شخص سوگوار و صاحب عزا نباید از جایش بلند شود و شخص را بدرقه کند، زیرا بر این باورند که این کار یمن ندارد و باعث اتفاق ناگوار دیگری می‌شود. حلوا و خرما می‌کند که به قبرستان می‌برند پس از پخش کردن بین مردم اگر باقی ماند آن را به خانه بر نمی‌گردانند، اصولاً هیچ چیزی را از قبرستان به خانه نمی‌برند. همسایگان و اقوام در مخارج مراسم با خانواده سوگوار همیاری می‌کنند و با وسایلی از قبیل برنج، روغن، خرما، گوشت و شکر و غیره... به آن‌ها کمک می‌کنند. اگر خانواده‌های دیگر قصد شرکت یا برگزاری مجالس شاد مثل مراسم عید، نامزدی و غیره داشته باشند، از خانواده متوفی اجازه می‌گیرند البته نزدیکان و اقوام درجه یک تا پایان سال چنین کاری نمی‌کنند.

ماسوله‌ای‌ها بر این باورند که مرده تا چهل روز چشم به راه و امیدوار به برگشتن به خانه است. پس از مراسم چهلم مرده اطمینان پیدا می‌کند که دیگر به خانه نمی‌گردد.

مرده چیل روز ک گوشه داره marda čil ruz ka goša dâra

مرده چهل روز چشم انتظار و امیدوار برگشت به خانه است. اگر کسی در خواب ببیند که خودش یا شخص فوت کرده بر این باورند که عمر طولانی خواهد داشت.

اگر مرده به خواب کسی بیاید و چیزی از او بگیرد، اتفاق ناگواری می‌افتد و یا شخصی از خانواده فوت خواهد کرد. برعکس اگر ببیند در خواب ببیند که چیزی از مرده گرفتند خواب خوبی است و بر این باورند که خبر خوشی در راه است.

شیرینی و غذاهای محلی سنتی ماسوله

ماسوله دارای شیرینی‌های محلی مخصوصی می‌باشد که به صورت خانگی توسط بانوان و یا به صورت کارگاهی تهیه و طبخ می‌شود؛ مانند اگر دک، کاکا، خرکاردریج و عسل حلوا این شیرینی‌ها مانند شیرینی‌های محلی دیگر شهرها در مجالس مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از این موارد استفاده عروسی است. هنگامی که عقد جاری می‌شود خانواده عروس «عسل حلوا» درست کرده روی آن را تزئین می‌نمایند و برای خانواده داماد می‌فرستند و آن‌ها نیز برای عروس طلا یا وسیله دیگری می‌گذارند و نیز یک روز پس از عروسی، خانواده عروس طی مراسمی به نام «نهار مجمه» برای خانواده داماد طبقی از انواع شیرینی‌های محلی مانند اگر دک کاکا و خرکاردریج می‌فرستند (حاجتی، ۱۳۹۲، ۱۱۶-۱۱۸).

غذاهای محلی ماسوله‌ای‌ها متنوع و خوشمزه می‌باشند. از جمله بزرگ ننه قورمه، عدس فسنجان، خنش ککو، پنیر ککو، پنیر وویوز (گردو) و پنیرآبره بعضی از غذاهای محلی ماسوله در روزهای خاص تهیه می‌شود، مثلاً روز چهارشنبه سوری «خنش ککو» درست می‌کنند و در عروسی‌ها ننه قورمه و بزگیر استفاده می‌کنند، قابل توجه است. بزگیر همان کباب کوبیده است که با گوشت چرخ کرده، پیاز، تخم مرغ، نمک فلفل و زردچوبه درست می‌شود.

حلوا پختن در نزد تالشان ماسوله به «حلواسازی» معروف است با برشته کردن آرد روی اجاق توسط مادر خانواده صورت می‌پذیرد. سپس شکر را در آب ریخته روی شعله می‌گذارند تا شکر کاملاً در آب حل شود آب و شکر را روی آرد ریخته هم می‌زنند و کاملاً ورز می‌دهند. پس کف ظرف به طور یکنواخت پهن و صاف می‌کنند. با چاقو آن را به شکل لوزی برش می‌دهند. تالش‌ها روی حلواها را با مغز گردو زیره، زردچوبه، دارچین و رنگ‌های گیاهی زیبا تزئین می‌کنند.

اگر دک هم از انواع شیرینی‌های سنتی ماسوله است. که با آرد گندم درست می‌کنند. ابتدا آرد و شکر یا پودر قند به اندازه مناسب با هم ترکیب کرده روغن جامد را حرارت داده به آن می‌افزایند. همراه با طعم‌دهنده‌هایی همچون زنجبیل، دارچین و هل یا خمیر آماده را ۳-۲ ساعت می‌گذارند تا کاملاً جا بیفتد. آن‌گاه اقدام به درست کردن اگر دک به صورت نان‌های کوچک گرد نموده روی حرارت قرار می‌دهند. بر روی ظرف اگر دک نیز سینی نهاده داخل سینی را پر از زغال می‌کنند تا اگر دک هم از پائین و هم از بالا خوب پخته شود که البته اکنون این کار را با فر انجام می‌دهند. حلوا و اگر دک یکی از خوشمزه‌ترین شیرینی‌های ماسوله‌ای‌ها است که تقریباً هنگام عید پخت می‌شود و در بقیه ایام سال به ندرت اقدام به درست کردن آن می‌کنند. (با درخواست اهالی خانواده مخصوصاً کودکان یا هنگام جشن عروسی (احمدی، ۱۳۹۴، ۱۷۴-۱۷۷).

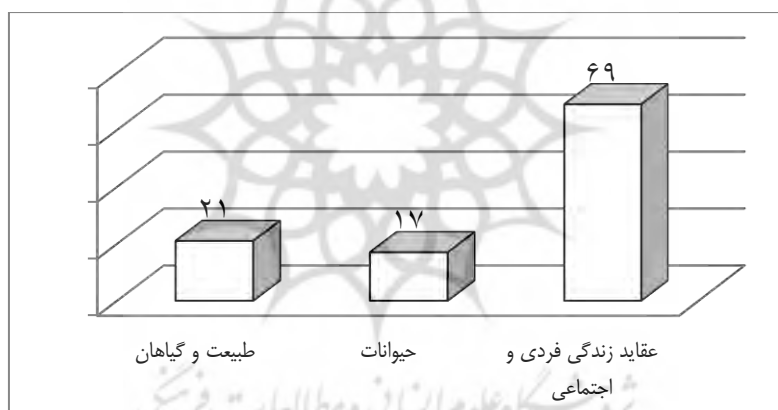
نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی آداب رسوم، عقاید و فرهنگ عامه مردم تالش‌زبان ماسوله پرداخته شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که:

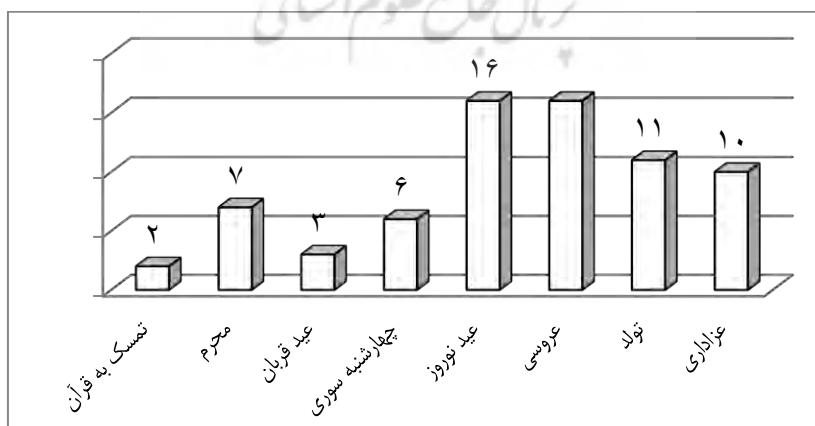
- در میان باورها، اعتقادات و آداب و رسوم مردم این منطقه می‌توان به توجه آن‌ها نسبت به طبیعت، گیاهان و حیوانات و همچنین مسائل مربوط به زندگی فردی و اجتماعی پی برد. در دسته‌بندی‌هایی که صورت گرفت، در بخش باورهای عامیانه، دو زمینه‌ی اصلی ارتباط انسان با گیاهان و حیوانات اصل قرار گرفته و باورها و اعتقادات مربوط به این امور بررسی شده است. در این میان، باورهای موجود نسبت به طبیعت و گیاهان مختلف که شامل حرفه‌ی کشاورزی و سیفی‌کاری نیز می‌باشد، بیشترین تعدد اعتقادات و آداب و رسوم را دارا است. پس از آن باورهای مربوط به حیوانات که دامداری نیز زیرمجموعه‌ی آن است، قرار دارد که در مجموع باورهای عامیانه این دو بخش ذکر شده بیشترین بسامد اعتقادات را دارا می‌باشند.

- در بخش آداب و رسوم و عقاید مربوط به زندگی فردی و اجتماعی مشخص گردید که پرداختن به اعیاد باستانی چون عید نوروز و چهارشنبه سوزی و همچنین برگزاری مراسم‌های عروسی دارای رسوم و آداب خاصی است که بیشترین تعداد و تنوع اعمال و باورها را دارا می‌باشند.

مردم تالش‌زبان ماسوله دارای فرهنگ و تمدن غنی و کهنی هستند از این جهت پیشنهاد می‌شود در پژوهش به بررسی و جمع‌آوری قصه‌ها و افسانه‌های مردم این منطقه پرداخته شود. همچنین به دلیل ظرفیت زبانی گسترده و عمیق این منطقه پیشنهاد می‌شود ساختار فعلی و زبانی مردم تالش‌زبان ماسوله مورد بررسی قرار گیرد.



شکل ۱. نمودار فراوانی باورهای عامیانه مردم تالش‌زبان ماسوله



شکل ۲. نمودار فراوانی باورهای عامیانه مربوط به زندگی فردی و اجتماعی مردم تالش‌زبان ماسوله

منابع

- احمدی، م.ز. (۱۳۹۴). غذاهای محلی گیلان. رشت: مطبوعات سالیان
- اصلان پور. (۱۳۸۷). تحقیقات در رسم و رسوم دوره ی ایلخانی (براساس منابع تاریخی این دوره). آینه ی میراث ۴۳، ۶۴-۸۶
- آزاد و شکوری. (۱۳۸۱). مدرنیته و خانواده ی تهرانی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی
- آموزگار، ج. (۱۳۹۰). زبان، فرهنگ، اسطوره. تهران: مطبوعات مهارت
- بهشتی. (۱۳۷۱). فرهنگ صبا و تهران: مطبوعات صبا
- بیهقی. (۱۳۷۶). بررسی و تحقیقات بر فرهنگ عامیانه ایرانیان، دومین ویرایش، مشهد: مدیریت مسجد آستان قدس رضوی
- پاکدامن، م.ه. (۱۳۷۸). جامعه بر علیه خرافات، مشهد: مطبوعات ایران نانا
- پندی، ک. (۱۳۸۸). ماسوله، الماس ایران زمین، رشت، مطبوعات طاعتی
- تیممداری (۱۳۷۶). مخروط فرهنگ، سنت و باورها، شعر ۲۱، ۳۲-۳۴
- حاجتی، پ. (۱۳۹۲). اشنوی غذاهای محلی گیلان (بانوان شمالی)، رشت: مطبوعات دهرسرا
- رادفر. (۱۳۸۴). پیشینه ی فرهنگ عامیانه در ادبیات فارسی منشاء آن در فارسی، کردی و ترکی، فرهنگ، ۵۵، ۶۵-۸۲
- رفیعی. (۱۳۸۶). لغت نامه تالشی، رشت: دانشگاه گیلان
- طالبی (۱۳۹۶). کتاب ماسوله ۲، توسط طالبی و پورعلی، رشت: فرهنگ ایلیا
- عیدلی. (۱۳۸۶). نوروز در چیستا، تالش ۵۷ و ۵۸، ۴۱۳-۴۲۰
- فخر. و ج. (۱۳۷۵). قدرت خدا، دوستی (اسلام)، آداب معاشرت، تهران: مطبوعات حکمت
- کزازی، م.ج. (۱۳۹۰). رویاها، حماسی، اسطوره، تهران: مطبوعات مرکز
- گشتاسب، ف. (۱۳۹۱). بازتاب رسوم زرتشتی بر ایران، مجله ادیان ۱۲، ۱۵۷-۱۷۶
- گولد، ج. (۱۳۹۱). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه شده توسط مازندرانی، تهران: مطبوعات مازیار
- ماسه، هنری (۱۳۹۱). باورها و رسومات ایرانیان، ترجمه شده روشن ضمیر، تبریز: کانون فرهنگ و تاریخ ایرانیان
- محبوبی، م.ج. (۱۳۸۷). ادبیات عامیانه ایرانیان، ۱ و ۲، توسط ذوالفقاری، تهران: چشمه، ویرایش چهارم
- مطهری (۱۳۷۲). اسلام و احتیاجات زمان، ۱، تهران: صدرا، ویرایش سوم
- موریس (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات از ابتدا تا کنون ترجمه شده توسط جیکوب، تهران: مطبوعات گستره
- موسوی (۱۳۸۶). نمایش ها، بازی های سنتی گیلان، تهران: فرهنگ ایلیا
- نصرتی (۱۳۸۵). تالشنامه: تفسیر فرهنگ، لطیفه ها، ضرب المثل ها و غیره، رشت: فرهنگ ایلیا
- هدایت، س. (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: مطبوعات چشمه، ویرایش دوم
- هدایت، س. (۱۳۹۵). فرهنگ عامیانه مردم ایران، توسط هدایت، ج. تهران: مطبوعات چشمه.

References

- Ahmadi, M. Z. (2015). *Gilan Local Foods*, Rasht: Salian Press. (In Persian)
- Amuzgar, J. (2011). *Language of Myth Culture (Papers)*, Tehran: Maharet Press. (In Persian)
- Aslanpour, A. N. (2008). Research in the Traditions of the Ilkhanid Period (Based on Historical Sources of this Period), *Mirror of Heritage*, 43, 64-86. (In Persian)
- Azad, A. T., & Shakouri, A. (2002). Modernity and the Tehrani Family, *Isfahan University, Faculty of Literature and Humanities*, 30(31), 255-268. (In Persian)
- Beheshti, M. (1992). *Saba Culture*, Tehran: Saba Press. (In Persian)
- Beyhaqi, H. A. (1997). Research and Study of Iranian Folk Culture, 2nd Eds, Mashhad: Administration of Astan Ghods Razavi Mosques. (In Persian)
- Eideli, A. (1989). *Nowruz in Talesh, Chista*, 57 & 58, 413-420. (In Persian)
- Fakhr, V. G. (1996). *The Power of Allah. Friendship (Islam), Etiquette*, Tehran: Hekmat Press. (In Persian)
- Fazeli, N. (2002). *Folk Culture and Persian Literature, Art Month*. 43 & 44, 82 - 85. (In Persian)

- Gashtasb, F. (2012). *Reflection on the Zoroastrian Customs of Iran*, *Journal of Religions*, 12, 157-176. (In Persian)
- Gould, J. (1997). *Social Science Culture*, Translated by Mazandarani, M. J., Tehran: Maziar Press.
- Hajati, P. (2013). *Cooking Local Foods of Gilan (Lady of the North)*, Rasht: Dehsara Press. (In Persian)
- Hedayat, S. (1999). *Folk Culture of the Iranian People*, Tehran: Cheshme Press, 2nd Eds. (In Persian)
- Hedayat, S. (2016). *The Folk Culture of the Iranian People*, by Hedayat, J., Tehran: Cheshme Press. (In Persian)
- Kezazi, M. J. (2011). *Dreams, Epic, Myth*, Tehran: Markaz Press. (In Persian)
- Mahjub, M. J. (2008). *Iranian Folk Literature, 1 & 2*, by Zolfaghari, H., Taheran: Cheshmeh, 4th Eds. (In Persian)
- Maseh, Henry (2012). *Iranian Beliefs and Traditions*, translated by Roshanzamir M., Tabriz: Institute of Iranian History and Culture.
- Morris, G., et al., (2001). *The History of Literature from the Beginning to the Present*, Translated by Jacob, A., Tehran: Gostareh Press.
- Motahari, M. (1993). *Islam and the Requirements of Time, 1*, Tehran: Sadra, 3rd Eds. (In Persian)
- Mousavi, S. H. (2007). *Guilan Traditional Shows and Games*, Tehran: Ilya Culture. (In Persian)
- Nosrati, S. A. (2006). *Taleshnameh: Culture of Interpretations, Jokes, Proverbs, etc.*, Rasht: Ilya Culture. (In Persian)
- Pakdaman, M. H. (1999). *Society against Superstition*, Mashhad: Iran Nana Press. (In Persian)
- Pandi, K. (2009). *Masouleh the Diamond Iran Earth*, Rasht: Ta'ati Press. (In Persian)
- Radfar, A. (2005). *Background of Folk Culture in Persian Language and its Sources in Farsi, Kurdish and Turkish, Culture, 55*, 65-82. (In Persian)
- Rafi'I, J. A. (2007). *The Taleshi Dictionary*, Rasht: Gilan University. (In Persian)
- Talebi, F. (2017). *Book Masuleh II*, by the efforts of Talebi, F., & Pourali, M. Rasht: Ilya Culture. (In Persian)
- Tamimdari, A. (1997). *The Cones of Culture, Tradition and Beliefs, Poetry, 21*, 32-34. (In Persian)